

اقتصاد مقاومتی؛ چیستی، چرایی، مبانی، مؤلفه‌ها، اهداف و راهبردها * (در کلام مقام معظم رهبری حفظه الله)

□ محمود اصغری^۱

چکیده

اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله، در طول سال‌های اخیر، همواره از سوی مقام معظم رهبری مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. در منطق رهبری از یک سو رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی قابل تصور نخواهد بود، از سوی دیگر تقویت و تحقق فرهنگ اسلامی بدون در نظر گرفتن شاخصه‌های رشد و توسعه اقتصادی نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت. و این دو در گرو مقاومت علیه آماج حملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که علاوه بر کارآمدی نظام اسلامی، در اداره و تأمین معیشت جامعه، بتواند ایران را در جهان به عنوان کشوری الگو و الهام بخش در جهان مطرح سازد. این پژوهش تلاشی برای به تصویر کشیدن نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری است. واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، چیستی، چرایی، مبانی، راهبردها، اهداف

مقدمه

نام‌گذاری سال ۱۳۹۳ به سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» بار دیگر نیازها و مطالبات فراگیر ملت ایران و نخبگان جامعه اسلامی، به ویژه مقام معظم رهبری را در لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی در بستر دو مؤلفه مهم و حیاتی «اقتصاد و فرهنگ» دو چندان نموده است.

در بینش رهبری، نظام اسلامی به عنوان گفتمان تولید محور و مولد در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد نظر می‌باشد. وجود مؤلفه‌های بی‌نظیر ارزش‌مند فرهنگی، از قبیل تولید فرهنگ ایشار و از خود گذشتگی در دفاع مقدس و نیز حرکت ملت ایران به سمت خودکفایی در برخی محصولات کشاورزی، تولید فرهنگ قناعت و پایداری و استقامت در مواجهه با استکبار در طول حیات انقلاب اسلامی از جمله تولیدات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ملت ایران در مقایسه با دیگر ملت‌ها و نظام‌های سیاسی می‌باشد، وجود این مؤلفه‌های ذی‌قیمت جایگاه ایران را در عرصه‌های بین‌المللی به عنوان نهادی تولیدگرا در عرصه‌های مختلف مطرح نموده است.

با توجه به این گفتمان، باورداشت‌ها و داشته‌های موجود در کشور است که اقتصاد مقاومتی هرگاه با دو مؤلفه عزم و اراده ملت ایران و نیز مدیریت جهادی مسؤولان، همراه شود، زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کشور خواهد گردید.

این نوشتار در راستای تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بر مبنای رهنمودهای مقام معظم رهبری شکل گرفته است که در چهار بخش به تدوین نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی خواهد پرداخت.

بخش اول: پیشینه، چیستی، چرایی و مبانی

پیشینه اقتصاد مقاومتی

«اقتصاد مقاومتی» اصطلاحی است که اولین بار توسط مقام معظم رهبری در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور بیان و وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور گردید.

با توجه به چنین پیشینه‌ای بسیار به جا و مناسب است که چیستی، چرایی، مبانی، مؤلفه‌ها و اهداف اقتصاد مقاومتی در کلام رهبری تبیین گردد.

مفهوم اقتصاد مقاومتی

در تعریف رهبری «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲).
بنابراین:

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیر و رو نمی‌شود؛ اقتصادی است متکی به مردم» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

تعاریف دیگر

برخی از تعاریف دیگری که صاحب‌نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی بیان نموده‌اند، به نوعی شرح و توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه‌هایی از آن تعاریف بدین قرارند:

خوش‌چهره (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

میرمحمدی (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راه‌کارهایی است که

برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت، در همه زمینه‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود.

موسوی (۱۳۹۲): اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. ایزدی (۱۳۹۲): سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه جانبه نظام سلطه.

صادقی شاهدانی (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی، یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

رضایی (۱۳۹۲): ایرانیزه کردن سیستم اقتصادی، به گونه‌ای که در مقابل هرگونه تحریم و فشارهای همه جانبه خارجی به اقتصاد کشور گزندی وارد نشود.

برخی هم بر مبنای تفکر سیستمی این گونه به تعریف اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند:

اقتصاد مقاومتی سیستمی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد (جامی، ایمانی مقدم، تنها، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

چرایی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاه مدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در درازمدت است. از این رو «ملت ایران باید خود را قوی کند؛ اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد به او زور خواهند گفت و

باجگیران عالم از او باج می‌خواهند و اگر بتوانند به او اهانت کرده و او را زیر پا لگد می‌کنند؛ این طبیعت دنیایی است که با افکار مادی اداره می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱).

نیاز واقعی کشور

در منطق رهبری، اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه چشم‌اندازی بلند مدت در پیش روی اقتصاد ایران است که پاسخ‌گوی نیاز واقعی کشور در تمامی زمان‌هاست؛ زیرا «اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی کشور است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای کشور است و مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، بلکه یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ در نتیجه می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند».

ایجاد پویایی اقتصادی

به اعتقاد رهبری اقتصاد مقاومتی سبب تحرک و پویایی اقتصاد کشور خواهد گردید. لذا به تعبیر ایشان «در عین حال پویا هم هست؛ یعنی این سیاست‌ها به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر دیده نشده، بلکه قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید و عملاً اقتصاد کشور را به حالت «انعطاف‌پذیری» می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون برطرف می‌کند (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مبانی

عقلانیت نظام اسلامی

بر اساس آنچه که در چرایی گذشت، مبنای عقلانیت اقتصاد مقاومتی در دو بعد الگوی بومی، علمی و پویایی، عقلانیت سیاسی، عقلانیت اقتصادی و عقلانیت فرهنگی است. زیرا روح و جوهره هر فعالیت، تلاش و کوششی را عقلانیتی که پشتوانه آن است تشکیل می‌دهد.

عقلانیت سیاسی

الف - حفظ استقلال نظام اسلامی

به طور طبیعی کشوری که متکی به اقتصاد درون‌زا باشد و کم‌ترین وابستگی به خارج از مرزهای خود داشته باشد، در عرصه دیپلماسی خارجی دست بالا را داشته و پشت میز مذاکره می‌تواند از موضع قدرت برخوردار شده و حقوق و منافع ملی خود را تضمین کند.

«ما به خاطر استقلال‌مان، به خاطر عزت‌مداری‌مان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌ها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوء نیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده می‌کنید - انگیزه‌های مخالف و اخلال‌گری و اشکال‌تراشی و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین، ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به این که پایه‌های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم؛ نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که یا حوادث و تکانه‌های ناگزیر و یا سوءنیت‌ها بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

از این رو، «برای علاج قطعی فشارهای اقتصادی دشمنان، باید به گونه‌ای اقتصاد خود را قوی و مستحکم کنیم که آنها از تأثیرگذاری فشارهای خود مأیوس شوند» (همان).

ب - ضرورت اقتصاد جهانی

وضعیت کنونی اقتصاد جهانی که مشکلات فراوانی را برای بسیاری از کشورها به وجود آورده، سبب شده است تا این کشورها در پی مقاوم‌سازی اقتصاد خود بر آیند بر این اساس:

«گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - به خصوص در این سال‌های اخیر - با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند. به نظر من احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است؛ ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاوم‌سازی کنیم» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

عقلانیت اقتصادی

وجود قدرت مقاومت

نظام اسلامی با توجه به داشتن استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد شرایط لازم را برای اجرای عملی اقتصاد مقاومتی را داراست، بنابراین «ظرفیت‌های عالی انسانی، سرمایه‌های «معدنی، طبیعی و صنعتی» و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور، انگیزه‌ای قوی برای طراحی الگوی پیش‌تاز اقتصادی یعنی اقتصاد مقاومتی بوده است» (همان، ۱۳۹۳/۱/۱).

به بیان رهبری، «... ما با پانزده کشور همسایه هستیم که این‌ها رفت و آمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصت‌های بزرگ کشورهاست؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در شمال به آب‌های محدود منتهی می‌شود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی می‌کنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ماست؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است» (همان).

عقلانیت فرهنگی

فرهنگ هر کشور بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی، اقتصادی و علمی‌اش در بستر فرهنگی شکل می‌گیرد.

الف - پیشینه قوی فرهنگی

ایران اسلامی سابقه‌ای درخشان در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی دارد و تاریخ پر شکوه و عظمت فرهنگی و قدمت علمی آن تا جایی است که به تعبیر رهبری: «آن روزی که تاریکی علمی مطلق بر منطقه اروپا حاکم بود - که در این زمینه حرف‌ها هست - آن روز کشور ما پیشرو کشورهای اسلامی بوده. این پیشرفت‌ها مال دنیای اسلام است، اما ایران پیشانی کشورهای اسلامی بود در پیشرفت‌های گوناگون علمی؛ در فلسفه، در علوم عقلی، حتی در علوم شرعی، در فقه، در حدیث.

بیشترین کتاب‌های حدیث در آن دوره‌ها - چه حدیث اهل سنت، چه حدیث شیعه - مال ایرانی‌هاست؛ نویسندگان ایرانی، محدثین ایرانی، فقهای ایرانی؛ آن وقت تا برسد به علوم طبیعی، در پزشکی، در داروسازی، در مهندسی، در ستاره‌شناسی و در بقیه علوم. خب، این گذشته ماست؛ این نشان‌دهنده وجود یک استعداد برتر و یک ذخیره استعدادی سرشار در این منطقه از جغرافیای عالم

است. ما چرا باید این را فراموش می کردیم؟ فراموش کردیم. امروز می خواهیم نشان بدهیم که این جوری نیست» (همان، ۱۳۹۰/۷/۲۶).

(۹۱)

به اعتقاد رهبری: «کشور بزرگ و ملت عظیم الشان ما علاوه بر جهات تاریخی و فرهنگی و میراث بسیار گران قیمتی که از گذشته دارد، خود او آفریننده افتخارات و ارزش هاست» (همان، ۱۳۸۲/۲/۱۵).

ب - فرهنگ دینی

برای ایرانی‌ها این افتخار است که با آن که خود دارای یک ملت و تمدن برجسته بودند ولی وقتی اسلام به آنها عرضه شد طبیعت و روحیه حق طلب ایرانی، اسلام را که آئین برتر بود به رغم تمدنی که داشت با تمام وجود پذیرفت (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲). و به بیان رهبری:

«ما مردم ایران مفتخریم که از ۱۳۵۰ سال قبل، فرهنگ، زبان، آداب، عادات، لباس و همه چیزمان با اسلام آمیخته شده است. شاید هیچ ملت دیگری این گونه با اسلام آمیخته نشد که ما شدیم. اسلام و آداب و فرهنگ اسلامی، جزء فرهنگ ملی ماست. «ملی» در این جا، مقابل «اسلامی» نیست؛ عین همان اسلامی است. «فرهنگ ملی» یعنی «فرهنگ خودی». فرهنگ خودی، باید حفظ شود. البته فرهنگ خودی از فرهنگ‌های دیگر هم وام می‌گیرد؛ حرفی نداریم. «اطلبوا العلم و لو بالصّین» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۲۷) این هم فرهنگ است. این که باید رفت از هر جای دنیا چیز خوب را آورد، این هم جزء فرهنگ ماست. این را هم باید حفظ کنیم. اما آنچه را که برای بدنمان لازم است، بجویم و فرو دهیم، نه این که ما آنجا بیفتیم، یکی دیگر بیاید، هر چه که خودش مصلحت می‌داند به بدن ما تزریق کند؛ مثل مرده؛ مثل آدم بی‌هوش! این اقتصاد، این فرهنگ و سیاست استقلال که پایه و بنای سیاست نظام جمهوری اسلامی است، شعار اصلی ماست. استقلال کامل، در همه جهت، یعنی زور و زورگویی را از

هیچ کس قبول نکردن؛ مسائل جهانی را طبق معیارهای خود حل کردن و راه آن را پیمودن» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲).

ج - تجربه انقلاب اسلامی

به اعتقاد رهبری، «تاریخ و تمدن این سرزمین و پیشرفت‌های ۲۵ سال اخیر ثابت می‌کند که ملت بزرگ ایران، قادر است در تولید و نوآوری علمی نیز، به مرزهای تازه‌ای دست یابد» (همان، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

بنابراین، «کشور ایران شأنش خیلی بالاتر از این است که به عنوان یک کشور درجه دوم در دنیا محسوب شود. این کشور باید در سطح بالای کشورها و ملت‌ها قرار داشته باشد. سابقه تاریخی ما، میراث فرهنگی ما، توانایی‌های مردمی ما، ظرفیت‌های طبیعی ما، همه به ما این را املاء و دیکته می‌کنند» (همان، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

بخش دوم: مؤلفه‌ها

بر مبنای عقلانیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و با توجه به ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور است که مقام معظم رهبری، ده مؤلفه را به عنوان بستری مناسب برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی به شرح ذیل بیان می‌کنند:

۱. ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی (همان، ۱۳۹۳/۱/۱)

در تبیین این فرمایش رهبری باید گفت: آن چه در مسأله تحرک و پویایی در اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت است عقلانیت و ژرف نگری به عنوان مهم‌ترین شاخصه اقدام مسئولان اجرایی برای تحقق مقوله مهم و حیاتی افزایش تولید ملی در کشور است که باید مد نظر قرار داده شود. بدیهی است مطالبه تولید ملی باید

با مقوله عقلانیت همراه شود، زیرا فقدان عقلانیت و خرد اقتصادی در نهایت منجر به عدم شکل‌گیری تولید ملی خواهد شد. از این رو وجود برخی تولیدات داخلی فاقد کیفیت و عدم خلاقیت در برخی محصولات داخلی، معلول ضعف در عقلانیت و عدم لحاظ ظرافت‌های مربوط به فضای تولید می‌باشد. لذا عقلانیت در تولید ملی این است که همه نهادهای مسؤول با اجتناب از مصرف‌گرایی، در حیطة مسؤولیت و فعالیت خود به سمت تولیدات بومی و ملی حرکت کنند.

۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (همان)

نظام اسلامی به عنوان گفتمان تولید محور و مولد در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد نظر می‌باشد، وجود مؤلفه‌های بی‌نظیر ارزشمند فرهنگی از قبیل تولید فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی در دفاع مقدس و نیز حرکت ملت ایران به سمت خود کفایی در برخی محصولات کشاورزی، تولید فرهنگ قناعت و پایداری و استقامت در مواجهه با استکبار در طول حیات انقلاب اسلامی از جمله توانایی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ملت ایران در مقایسه با دیگر ملت‌ها و نظام‌های سیاسی می‌باشد، که وجود این مؤلفه‌های ذی‌قیمت؛ حتی جایگاه ایران را در عرصه‌های بین‌المللی به عنوان نهادی تولید‌گرا در عرصه‌های مختلف مطرح نموده است.

۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی (همان)

در نگاه رهبری، این ظرفیت‌ها شامل ظرفیت‌های گسترده علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی است که باید برای اجرای سیاست‌ها، بر آنها تکیه شود.

۴. رویکرد جهادی (همان)

بدیهی است کلام حکمانه مقام معظم رهبری مبنی بر مدیریت جهادی برای احیای مقوله اقتصاد و فرهنگ به معنای انجام اقدامات زود بازده و شتاب زده در

عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی نیست، بلکه باید با تدبیر و دوراندیشی بسترهای فکری و نرم‌افزاری احیای مؤلفه اقتصاد و فرهنگ را فراهم نمود. از این رو، قید معنادار «جهادی» در بیانات مقام معظم رهبری ناظر بر استمرار و تداوم حرکت مسؤولان و اجتناب از ایستائی و توقف برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی به ویژه در بخش‌های اقتصاد و فرهنگ می‌باشد.

بدین جهت است که می‌فرمایند: اجرای این سیاست‌ها، با حرکت عادی و احياناً خواب‌آلوده و بدون حساسیت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است (همان).

۵. مردم‌محوری (همان)

به اعتقاد رهبری کار اصلی و برداشتن بار اقتصاد مقاومتی به دست مردم و بر دوش مردم است. از این رو، «مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. {البته دولتی نبودن} به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسؤولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسؤولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است. اما دولت به‌عنوان یک مسؤول عمومی نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء استفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه دولت است» (همان).

۶. کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت (همان)

در توضیح و تبیین این مؤلفه باید گفت: وابستگی به درآمد فروش نفت وابستگی اقتصادی و فرهنگی را در طی سالیان متمادی به همراه داشته است. لذا باید اقتصاد نفتی و مصرفی را مهم‌ترین دشمن استقلال کشور دانست که از یک

سوی، به شدت خودکفایی ملت ایران را نشانه رفته، و از دیگر سوی فرهنگ ملت ایران را در مسیر انحطاط و ضعف قرار داده است.

زیرا با تکیه بر درآمدهای حاصل از فروش نفت، شهرها از لحاظ فرهنگی و اقتصادی از روستاها بی‌نیاز شدند و شهرها مبنا و الگوهای فرهنگی خود را نه از مؤلفه‌های فرهنگی تمدن‌ساز در درون کشور، بلکه از گزاره‌های موجود در جوامع غربی دریافت نمودند.

باید اذعان نمود آسیب‌های متعدد وابستگی به درآمدهای نفتی آن چنان بر پیکره فرهنگ نظام اسلامی خدشه وارد نمود که ارزش‌های زندگی غربی بر جامعه تحمیل گردید و متأسفانه دولت‌های مختلف نیز با سیاست‌گذاری‌های نادرست و غرب‌گرایانه در رشد فزاینده آسیب مذکور سهم قابل توجهی از خود بر جای گذاشتند، تا جایی که تبلیغ کالاهای غربی و ترویج سبک زندگی غربی و تقویت اقتصاد مصرفی، فرهنگ جامعه اسلامی را دچار تزلزل نموده است، به گونه‌ای که پدیده غرب‌گرایی از مهم‌ترین آفات و پیامدهای این امر محسوب می‌شود.

۷. اصلاح الگوی مصرف (همان)

آنچه در مسأله اصلاح الگوی مصرف از نظر رهبری بسیار حائز اهمیت است میزان پای‌بندی مسؤولان نظام اسلامی به این مطلب مهم است. بر این اساس است که می‌فرماید: «خطاب اصلی من در این موضوع متوجه مسؤولان است که باید در درجه اول در حوزه مأموریتی خود، از اسراف و ریخت و پاش به طور جدی پرهیز و در درجه بعد، این موضوع را در زندگی‌های شخصی خود رعایت کنند. زیرا پای‌بندی مسؤولان به پرهیز از ریخت و پاش، موجب تسری این روحیه به جامعه خواهد شد» (همان).

اگر فرهنگ مصرفی اصلاح گردد، اول افراد بیشتری از نعمت‌های الهی و امکانات بهره‌مند خواهند شد، دوم بهره‌مندی و رضایت خاطر بیشتری برای

همگان به وجود خواهد آمد و سوم مشکلات به وجود آمده از ناحیه اسراف و ریخت و پاش‌ها به ویژه در دولت، به نفع افزایش منافع ملی و عمومی برطرف خواهد شد.

۸. فساد ستیزی

در نگاه رهبری، «لازمهٔ فعالیت سالم و پر تحرک اقتصادی، امنیت است و لازمهٔ امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی و افرادی است که قانون را دور می‌زنند» (همان).

حال اگر به تعبیر ریاست جمهوری «... در کشوری قبح رشوه، قبح دزدی و قبح فساد از بین برود باید به خدا پناه برد، چرا که در جایی که قبح شکسته شود به جایی می‌رسد که حکم خدا و راه خدا زیر پا گذاشته می‌شود و نعوذ بالله قانون هم مسخره می‌شود؛ نعوذ بالله قرآن هم مورد استهزا قرار می‌گیرد» (روحانی، ۱۳۹۳/۹/۱۷).

در چنین جامعه‌ای هر کس چاره را در زور، ارتباط، پول، قدرت و تقلب می‌بیند (ر.ک: اصغری، ۱۳۷۷، ص ۱۴۸).

۹. دانش محوری (همان)

در منطق رهبری «اقتصاد دانش بنیان از مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی هر کشور است و اگر این موضوع مورد توجه جدی قرار گیرد، به طور قطع چرخهٔ علم تا ثروت تکمیل خواهد شد» (همان).

بی‌تردید «با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی به وجود خواهد آمد» (همان).

بخش سوم: اهداف

اهداف را می‌توان در سه محور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبیین نمود:

محور سیاسی

الف - عزت‌مندی نظام اسلامی

(۹۷)

فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی بر پا نمودن نظام اجتماعی مستقل و عزت بخش و نفی عدم وابستگی به شرق و غرب و پرهیز از هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری در راستای حفظ استقلال همه جانبه کشور است (ر.ک: قانون اساسی، ۱۳۶۸، اصل ۱۵۲ و ۱۵۴). در راستای دستیابی به این اصل است که رهبری نظام می‌فرماید:

«ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوان‌ها، به فعالیت ذهن‌ها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیت‌های بی‌پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه‌ریزی درست و صحیح این ظرفیت‌ها را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند. ... هر جایی که ما به ابتکار و استعداد جوانان مان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمان‌های گوناگون، در سلول‌های بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هر جایی ما سرمایه‌گذاری کردیم} و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مؤمن و بااخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ ... مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ ظرفیت‌های اقتصادی باید فعال بشود؛ این راه پیشرفت کشور است. آن وقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین‌المللی، هم از لحاظ عزت ملی و اعتماد به نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۲/۲۳).

ب - ارتقاء جایگاه جهانی

در نگاه رهبری، «جامعه اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی

به اسلام عمل بکند، بدون تردید در قله قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عزت و شرف دنیایی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار می‌گیرد» (همان).

مقام معظم رهبری به طور مکرر بر سیاست اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد بومی و علمی اقتصادی کشور که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و دینی و برای یک جامعه انقلابی تعبیه شده است، تأکید و عنایت داشته و دارند؛ و در راستای چنین باوری است که «پشتتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه» (همان، ۱۳۹۳/۱/۱) را از مهم‌ترین اولویت‌های سند چشم‌انداز بیست ساله کشور می‌دانند (ر.ک: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی).

ج - الگوی عملی شدن

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نظام برگرفته از آموزه‌های ناب تشیع مدعی ارائه الگویی جامع و جهانی در همه ابعاد مورد نیاز جوامع بشری است. از این رو، مقوله اقتصاد و فرهنگ به عنوان موضوعاتی کلیدی در راستای رشد و توسعه نظام‌های مختلف جهان به ویژه نظام اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

«اگر این الگوی اسلامی - ایرانی در مرحله عمل به اجرا گذاشته شود، قطعاً به الگوی مورد استفاده کشورهای دیگر تبدیل خواهد شد. همان‌گونه که بسیاری از کارها و موفقیت‌های ملت و کشور ایران برای دیگر کشورها و ملت‌ها الگو شده است (همان، ۱۳۸۶/۲/۲۵).

محور اقتصادی

الف - مقاوم سازی بینان‌های اقتصادی کشور

در منطق رهبری، سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، به یقین یک ملت قوی می‌شود: اقتصاد، فرهنگ و علم و دانش. به اعتقاد ایشان برای تقویت عنصر اقتصادی «یک اهتمام بیش از متعارف لازم است تا بتوانیم اقتصاد کشور را به شکلی در بیاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست و برخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملت ما اثر بگذارد؛ این دست ماست، ما باید {این کار را} بکنیم؛ این همان اقتصاد مقاومتی است» (همان، ۱/۱/۱۳۹۳).

ب - حل مشکلات اقتصادی به همراه رشد و توسعه پایدار

در نگاه رهبری، اقتصاد مقاومتی چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک رویکرد بلند مدت را شامل می‌شود، که رویکردی ایجابی و دوراندیشانه است که تنها در پی حل مشکلات اقتصادی فعلی کشور نیست، بلکه در صدد ایجاد و تداوم رشد و توسعه پایدار در کشور است.

«در این که گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است. نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند» (همان).

ج - امنیت اقلام راهبردی و اساسی (همان)

خود کفایی در زمینه تغذیه و دارو به اعتقاد رهبری:

«کشور نباید در این دو زمینه، (تغذیه و دارو) حتی لحظه‌ای وابستگی کامل به بیگانگان داشته باشد، به دو دلیل: اول این که ممکن است در شرایط نیاز، بیگانگان ما را در این دو زمینه تحریم کنند؛ کما این که این امر بارها از سال ۹۰ اتفاق افتاده و مردم ما را دچار مشکلات اساسی کرده است. دوم این که غالباً در قبال خرید غذا و دارو از بیگانه، ما به آنها نفت می‌دهیم؛ یعنی همان سیاست نفت در برابر غذا. اگر شرایطی پیش آمد که نفت ما هم تحریم شد، آن وقت چه چیزی داریم که در ازای غذا و دارو بدان‌ها بفروشیم. پس در این زمینه، باید اولاً تا حد ممکن خود تولیدکننده و تهیه‌کننده کالاهای اساسی خود باشیم و ثانیاً در صورت عدم امکان تولید و تهیه آن، چیزی به جز نفت در دست داشته باشیم تا اگر نفتمان تحریم شد، بتوانیم از آن استفاده کرده و البته تا حد امکان از فروش نفت خام جلوگیری کنیم و به جای آن، فرآورده‌ها و محصولات با ارزش افزوده زیاد صادر نماییم.

د - بستر سازی برای تحقق عدالت و رفاه اجتماعی

راهبردهای معطوف به عدالت و رفاه اجتماعی امری بنیادین بر تمامی جنبه‌های سیاست‌گذاری در نظام اسلامی می‌باشد. از این رو، بهینه‌سازی توزیع عادلانه درآمد، توجه به بیمه اجتماعی، حمایت‌های اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین شغلی و آسایش روانی که از مفاهیم اولیه عدالت و رفاه اجتماعی به حساب می‌آیند. از شاخص‌های اصلی نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام به شمار می‌آیند. بنابراین، اقتصاد مقاومتی:

«... تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشور خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را

ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است» (همان).

محور فرهنگی

به اعتقاد رهبری، «مسئله فرهنگ را باید مسأله اول این کشور به حساب آورد و بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه‌های فرهنگی، پیشرفت این کشور در تمامی زمینه‌ها تضمین خواهد شد. اما اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه‌های آن مستحکم نشود، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی در همه کارها ابتر خواهد بود و به نتایج قطعی آن نمی‌توان امیدوار بود» (فروغی جهرمی، ۱۳۷۵، ص ۴۹).

از این رو، مؤلفه فرهنگ به عنوان مهم‌ترین شاخص برای تمدن‌سازی نوین اسلامی همواره از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. لیکن فقدان مدیریت جهادی و مهم‌تر از همه، ضعف مفرط سیاست‌گذاران در این عرصه مهم در بعد نرم‌افزاری، نظام اسلامی را با چالش‌های فراوان مواجه ساخته است.

الف - خودباوری و تکیه بر فرهنگ خودی

خودباوری که در واقع قضاوت شخصی در مورد ارزشمند یا بی‌ارزش بودن، قبولی یا عدم قبول خود است در نگرش فرد ظاهر می‌شود.

خودباوری فرهنگی نوعی نگرش فرد نسبت به فرهنگ جامعه خویش است. اگر این نگرش مثبت باشد، آن را خودباوری فرهنگی و اگر منفی باشد آن را خود باختگی فرهنگی گویند.

از آنجا که فرهنگ، مانا‌ترین وجه زندگی بشر و روح اندام‌واره اجتماع

بشری است. جامعه به وسیله فرهنگ انتظام می‌گیرد و انسان به وسیله فرهنگ موجودی اجتماعی می‌گردد. بنابراین، فرهنگ هر قوم و ملت خمیر مایه حیات ابدی، سرچشمه تراوش دانش و معرفت و از ارکان بقا و ثبات آن قوم و ملت به شمار می‌رود. لذا به اعتقاد رهبری:

«... استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خود کفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکنند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند» (دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۵۱).

بنابر این، فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ هستند.

ب - توجه و تقویت روحیه اسلامی، انقلابی

«انقلاب اسلامی ایران به عنوان نهضتی الهی، فراگیر و مبتنی بر مدار فطرت پاک بشری، توانست اهمیت قدرت نرم‌افزاری دین را به نمایش بگذارد و به عنوان انقلابی در ارزش‌ها و هنجارها به فرهنگ سازی در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت نماید. این نهضت فرهنگی توانست موجب یک فضای گفتمانی باشد که خرده‌گفتمان‌ها را در درون خود مستحیل سازد و ضمن مفهوم سازی و بازسازی فکری و اندیشه‌ای، فرهنگ نوینی را در روابط بین‌الملل رقم زند؛ که بر مردم سالاری دینی، احیای تفکر اسلامی، جهان‌گرایی تمدن اسلامی، محوریت فعالیت فرهنگی، تقویت جنبش‌های جدید اجتماعی و فرهنگ استکبارستیزی و استقلال خواهی استوار بود» (دهشیری، ۱۳۸۲، ص ۸). در واقع انقلاب اسلامی موجب یک فضای گفتمانی مبتنی بر عنصر معنویت‌گرایی و بازگشت به خویشتن را در دنیا رقم زد که در نوع خود بی‌نظیر است؛ از این رو، مقام معظم رهبری تأکید دارند که «در تمامی تصمیمات فرهنگی و در هدایت و اداره امور فرهنگی

باید روحیه اسلامی و انقلابی مورد توجه قرار بگیرد. گرایش انقلابی و حرکت اسلامی را نیز می‌توان با یک مدیریت و هدایت صحیح، دقیق و حساب شده تضمین کرد. بنابر این هدایت فرهنگی جامعه براساس گرایش‌های انقلابی یک ضرورت است» (فروغی جهرمی، ۱۳۷۵، ص ۴۹).

زیرا «همه رفتارهای روزمره، عادات و «نگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» مردم از فرهنگ آنها الهام می‌گیرد، بنابراین، باورهای فرهنگی به همه مسائل و عرصه‌های دیگر سایه می‌اندازد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱).

ج - بهره‌گیری از علم و دانش

«اگر ما ان شاء الله بتوانیم بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود می‌تواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملت‌ها خدمت برساند، احساس هویت می‌کند، احساس شخصیت می‌کند؛ این درست همان چیزی است که ملت‌های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند ... به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، ... شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد» (همان، ۱۳۹۱/۵/۸).

بخش چهارم: راهبردها

به تعبیر رهبری، «برای این که این کار بزرگ، اقتصاد مقاومتی، تحقق پیدا کند، الزامات چیست و چه کارهایی باید انجام بگیرد؟» (همان).

ایشان برای تحقق اقتصاد مقاومتی دوازده محور را به عنوان راهبردهای عملی

و اساسی مورد توجه قرار داده و از متولیان امور و مردم می‌خواهد که نسبت به انجام آن اقدامات لازم را به عمل آورند این راهبردها عبارتند از:

۱. حمایت از تولید ملی

حمایت‌های کامل و درست و به جا و به موقع عاملی می‌شود که به واسطهٔ تولید، انباشت دانش و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی ایجاد شود و تولید، جامعه را به سمت توسعه و پیشرفت سوق دهد. در حالی که اگر حمایت‌ها کامل نشود، نه تنها تولید عامل تحرک و پیشرفت دادن جامعه نمی‌شود، بلکه با از بین بردن سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مادی، نظام اجتماعی را در مسیر پس رفت تدریجی قرار خواهد داد. در راستای اهمیت این مسأله هست که رهبری می‌فرمایند:

«اولاً مسؤولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقهٔ اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسؤولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند» (همان).

۲. افزایش بهره‌وری

درجهٔ توسعه یافتگی در بهره‌وری به میزان قابل توجهی به بهره‌گیری مطلوب و بهینه از منابع و امکانات تولید بستگی دارد. از این رو بهره‌وری و افزایش مستمر آن در شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

«صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم باید به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفادهٔ بهینه بشود؛ کارگر که کار

می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم‌الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۳۰). آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب می‌شود هزینه تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود» (همان).

۳. اهمیت دادن به فعالیت تولیدی

هر چه تولید بیشتر باشد، امکان بهبود زندگی مردم، بهره‌مندی از شرایط مادی، فرهنگی و اجتماعی بهتر و امکانات زیربنایی و دفاعی بیشتر و مؤثرتر فراهم می‌شود. تولید بیشتر امکان سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی برای تولید بیشتر از گذشته ایجاد کرده، در نتیجه زندگی مادی، اجتماعی و فرهنگی بهتر برای نسل آینده را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. از این رو، کشورها در تلاشند با تدوین و اجرای برنامه‌های درست و خردمندانه، تولیدات خود را ارتقاء و وضع زندگی مادی و معنوی خود را بهبود بخشند.

«صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند - کم یا زیاد - و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزء بهترین کارهاست؛ کسانی که دارای سرمایه هستند - چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون - آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند» (همان).

۴. مصرف کالای داخلی

مصرف کالاهای داخلی زمینه‌ساز افتخار ملی، تشویق اقتصاد، پاسداری از اقتصاد، اشتغال‌زایی و... می‌شود. در مقابل استفاده از کالای خارجی نابودی فرصت‌های شغلی، بی‌کاری جوانان ایرانی، تضعیف روحیه تولیدکنندگان و وابستگی به بیگانگان را در پی دارد. مصرف‌کنندگان داخلی باید به این نکته توجه داشته باشند که مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی آن در کشور با همان کیفیت وجود دارد به معنای تعطیلی صنایع و کارخانه‌ها و در پی آن بی‌کاری خیل عظیم جوانان ایرانی است که در این کارخانه‌ها مشغول فعالیت هستند و این تداوم مصرف سبب وابستگی به بیگانگان در جهت تأمین نیازهای کشور است. از این رو، یکی از توصیه‌هایی مهم مقام معظم رهبری، که همواره بر آن تأکید دارند، این است که:

«مردم در همه سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا (حرم مطهر رضوی) با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می‌کنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به این که ابتکار خودش را بیاورد؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن‌کننده کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، [می‌پرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به عکس بشود. نمی‌گوییم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض می‌کنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد

است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه مردم است. البته در این جا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسئولیت مسؤولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده‌روی‌ها و ریخت و پاش‌ها در رفتار مردم، به خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را «بزرگ‌ترها» می‌دانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارهاست» (همان).

۵. استفاده بهینه از ظرفیت‌ها

آنچه که می‌تواند زمینه را برای رشد و شکوفایی اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به محصولات خارجی فراهم کند اتکا به ظرفیت‌ها و امکانات داخلی و استفاده بهینه از پتانسیل‌ها و استعدادها موجود در کشور است.

استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات داخلی از یک سو موجب می‌شود که فشار اقتصادی و مشکلات ایجاد شده ناشی از تحریم‌ها تا حدودی کاسته شود و میزان وابستگی به واردات کالاهای مورد نیاز کاهش یابد. از سوی دیگر موجب می‌شود که نگاه مسؤولان به جای این که به خارج از کشور معطوف باشد و حل مشکلات اقتصادی را به حل مشکلات عرصه سیاست خارجی و به ویژه مسأله پرونده هسته‌ای گره بزنند به ظرفیت‌ها و امکانات موجود در داخل کشور معطوف شود و تلاش خود را صرف استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود سازند. این در حالی است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب:

«ظرفیت‌های کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره این ظرفیت‌های عجیب یا به اهمیت آن توجه نداریم». این ظرفیت‌ها عبارتند از:

الف - وجود نیروی جوان و تحصیل کرده

«ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ ... یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست و نه

سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است، فوق‌العاده است. ... جمعیت کشور از اول انقلاب تا حالا دو برابر شده، جمعیت دانشجو ۲۵ برابر شده؛ یعنی ما از صد و بیست هزار رسیده‌ایم به چهار میلیون و صد هزار؛ این چیز مهمی است، خیلی حادثه عظیمی است؛ هم این رشد مهم است، هم این دارایی‌ای که فعلاً داریم مهم است - ده میلیون دانش‌آموخته دانشگاه‌ها داریم؛ شصت و پنج هزار عضو هیئت علمی داریم که بیش از ده برابر آن چیزی است که در اول انقلاب وجود داشت؛ پنج هزار شرکت دانش‌بنیان داریم که الان هفده هزار متخصص و فعال در این شرکت‌ها مشغول کارند، ببینید این ظرفیت‌ها چقدر مهم است؛ نتیجه این شده که طبق گزارش پایگاه‌هایی که رتبه علمی کشورها را مشخص می‌کنند، ما در رتبه پانزدهم دنیا هستیم ... این چیز مهمی است. ما در بعضی از رشته‌های علمی، رتبه‌مان از این بالاتر است؛ در بعضی از رشته‌های علمی جزو هفت هشت کشور [اول] دنیا و در بعضی جاها جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار داریم. این آن زیرساخت اساسی است» (همان).

ب - وجود منابع طبیعی سرشار

«یک ظرفیت دیگر سرمایه‌های معدنی است. رتبه اول نفت و گاز ... ما در مجموع دارایی نفت و گاز زیر زمین، در دنیا اولیم؛ ... این خیلی چیز مهمی است؛ هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران ما نفت و گاز ندارد. نفت و گاز رگ حیاتی امروز دنیاست، ... سرمایه‌های معدنی دیگر [هم همین جور]: معادن طلا، معادن سیمان، معادن فلزهای کمیاب و فلزهای ارزشمند ... رتبه هفده در اقتصادهای جهان - که این جزو آمارها و گزارش‌های بین‌المللی است - با حدود هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی. سرمایه‌های زیربنایی {مثل} راه و سد؛ امروز بیش از ششصد سد در کشور در اندازه‌های مختلف وجود دارد؛ انقلاب اسلامی این کشور را در وضعیتی تحویل گرفت که حدود ده پانزده سد در سرتاسر کشور بود؛ امروز ششصد و اندی سد در کشور هست؛ در اندازه‌های بزرگ و کوچک؛

بعضی از آنها بسیار مهم و بزرگ [است]. مسأله راه هم همین جور، آمارهای راه هم آمارهای خوبی است. ظرفیت و مزیت جغرافیایی؛ دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت چهار راهی شمال و جنوب و شرق و غرب که مسأله ترانزیت را - که مسأله بسیار مهمی است - برای ما توضیح می دهد. تنوع اقلیمی، ظرفیت انرژی های پاک [مثل] انرژی آب و خورشید، انرژی هسته ای. این ظرفیت ها در کشور وجود دارد. بنابراین ... یکی از نکاتی که ما را برمی انگیزد که به دنبال یک مدلی و یک الگویی از اقتصاد باشیم که اسم آن اقتصاد مقاومتی است [وجود همین ظرفیت هاست]» (همان).

۶. عزم ملی و مدیریت جهادی

ملتی که جزم قطعی نسبت به حرکت به سمت اهدافی چون فرهنگ و اقتصاد دارد و می خواهد اقتصاد مقاومتی را در نظام اجتماعی خود محقق سازد باید این علم و دانش خویش را با عزم ملی و همگانی تحقق خارجی بخشد. مدیریت این مسأله زمانی انتظارات و دستاوردهای بزرگی را در پی خواهد داشت که این مدیریت با صبغه جهادی همراه گردد.

اگر ملت عزم داشته باشد، ولی مدیریت نشود ممکن است بی ثمر باشد؛ چنان که مدیریت عادی و غیر جهادی دولت نیز می تواند سرمایه گرد آمده از عزم ملت را بی اثر سازد.

مدیریت جهادی عبارت است از علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی برای نیل به هدف های مطلوب با حداکثر کارایی به جهت تقرب الهی. در این صورت است که به تعبیر رهبری:

«اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرت های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد» (همان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳).

به اعتقاد رهبری گام اول برای انجام این کار «عزم جدی مسؤلان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسؤلین کشور - در درجه اول، قوه مجریه، مسؤلان دولت؛ و نیز قوه مقننه؛ و قوه قضائیه؛ و بخش های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً باید در این مسأله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت» (همان، ۱۳۹۲/۱۰/۲۳).

و گام دیگر نیز «هماهنگی میان بخش های گوناگون است که البته ساز و کار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه قضائیه. در بخش هایی بدون هماهنگی نمی شود حرکت کرد؛ در بخش هایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به هر حال هماهنگی لازم است. ساز و کار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان شاء الله تهیه کنند» (همان).

۷. طرح و برنامه عملی

فراهم کردن زمینه مناسب جهت تحقق چشم اندازها، اهداف و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری در روزهای پایانی بهمن ماه سال ۱۳۹۲ در قالب ابلاغیه به رئیسان سه قوه داده شد فضای مناسبی را به وجود آورد در راستای ایجاد فضای مطلوب همکاری و هم فکری با هدف دستیابی به راه کارهای اجرایی تبدیل اقتصاد کشور به اقتصادی مقاومتی که مستلزم برنامه ریزی دقیق، اجرا، پایش و هدایت آنهاست.

لازم است مسؤلان این فرصت را غنیمت بشمرند و با شناخت دقیق برآیند جامعه از اقتصاد مقاومتی و تطبیق هر چه بیشتر آن با اصول این سیاست های کلی، گامی مؤثر در همراه کردن مردم با خود بردارند و به منظور عملیاتی کردن این سیاست ها از ظرفیت های مردمی که خود یکی از ستون های اقتصاد مقاومتی هستند، بیشترین بهره را ببرند.

زیرا برای رسیدن به یک اقتصاد مقاومتی و پایدار، اتحاد بین قوای سه‌گانه و بسیج همگانی لازم است. به عبارت دیگر یک عزم ملی باید وجود داشته باشد تا چنین امری محقق شود.

در چنین محیطی هر عنصر جامعه موجودیتی است که بخشی از تراکنش سیستم را به عهده دارد و سیستم زمانی موفق است که اجزاء آن با همدیگر و سایر سیستم‌ها هم‌افزایی داشته باشد.

«ورود در میدان عمل [است] عمل در این جا یک عمل صالح است؛ هر کسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر/۳) خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد» (همان).

۸. زمان‌بندی برای اجرای طرح‌ها

مدیریت صحیح، از دست ندادن فرصت‌های موجود، فرصت‌سازی برای اقدامات آتی و داشتن یک نقشه راه روشن و ایجاد شبکه‌ای از برنامه‌های منسجم و برهم تنیده از دیگر پارامترهای رسیدن به اقتصاد مقاومتی است.

«باید زمان‌بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - به خصوص قوه مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخص‌ها - به خصوص شاخص‌های زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید» (همان).

۹. نظارت بر اجرا

وجود ساختار قدرت‌مند نظارتی نیازمند است تا سیاست‌ها و نحوه اجرا را رصد کند و در صورت انحراف یا کاستی آن موضوع را گوشزد کند.

«باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاء الله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است» (همان).

۱۰. برداشتن موانع

اصلاح و وضع قوانین

در گزارشی که کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس در مورد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و قوانین متناظر با آن منتشر ساخته، احکام قانونی موجود را در سه گروه دسته‌بندی نموده است: اول عدم اجرای کامل قانون و نیاز به رفع موانع و نظارت بر اجرای کامل احکام موجود، دوم ضعف و نقصان در متن قانون موجود و نیاز به اصلاح احکام موجود، سوم فقدان الزام قانونی یعنی خلع قانونی در خصوص برخی موارد و نیاز به حکم جدید (ر.ک: گزارش مجلس در مورد قوانین متناظر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یکشنبه ۲۱ دی، ۱۳۹۳، خبرگزاری مهر). در راستای برداشتن موانع قانونی است که رهبری می‌فرماید:

«موانعی وجود دارد که این‌ها را می‌شود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم «قانون روی قانون آمدن» کار را مشکل می‌کند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس می‌تواند انجام بدهد؛ و الا ما حالا قوانینی داریم، {اگر} باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ این‌ها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه

نیستند، [تا] بتوانند حرکت کنند» (همان).

۱۱. پایش و اطلاع‌رسانی

پایش و اطلاع‌رسانی یکی از الزامات حیاتی و پراهمیت هر مجموعه تولیدی و اقتصادی می‌باشد و باید به طور پیوسته، خروجی سیستم و تولیدات آن را مورد بررسی و دقت نظر قرار داد و در هر مرحله نتایج بررسی‌ها یا پژوهش‌ها باید ضمن اطلاع‌رسانی اعمال گردد.

چنانچه در هر مجموعه با فرایند تولید و خدمات عنصر پایش تحقق یابد از هر گونه افت جلوگیری گردیده و سبب بهره‌وری و افزایش رضایت‌مندی خواهد شد.

«بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ ... مردم دوست دارند بدانند» (همان).

۱۲. گفتمان‌سازی

لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است. گفتن و نوشتن پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیری به سزا خواهد داشت و در راستای تحقق این مسأله:

«باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند. البته صدا و سیما و رسانه‌های کشور موظفند، اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در

چنته دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] دربارهٔ اقتصاد مقاومتی، اشکال تراشی، مانع تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطهٔ مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد» (همان).

نتیجه‌گیری

براساس آن چه در چیستی، چرایی، مبانی، مؤلفه‌ها، اهداف و راهبردها گفته شد؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. نظام اسلامی با ورود به عرصهٔ اقتصاد مقاومتی از منظر نیازهای اقتصادی، که انقلاب اسلامی ناگزیر به ارائهٔ پاسخی بومی و درون‌زا به آن بوده است، به یک هویت مناسب در حوزهٔ اقتصاد دست می‌یابد و از این طریق می‌تواند به اهداف اولیهٔ انقلاب اسلامی نزدیک‌تر گردد و جامعیت و غنای فکری آن را در جنبه‌های اقتصادی ادارهٔ جامعه به جهانیان نشان دهد.

۲. اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسهٔ اقتصادی فراهم کند.

۳. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی دانش‌بنیان، بهره‌ور، مولد، باعث ارزش افزوده بالا و کاهندهٔ ریسک‌های اقتصادی در جهان پُر تلاطم امروز خواهد بود.

۴. در اقتصاد مقاومتی پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد.

۵. اقتصاد مقاومتی ظرفیت مالی بالایی در کشور به وجود خواهد آورد و با باز توزیع درست ثروت های ملی، عدالت اجتماعی را برپایه آموزه های دینی و بومی در جامعه محقق خواهد ساخت.

۶. دستیابی به تمدن اسلامی با تأمین اقتصاد به عنوان مقدمه و فرهنگ به عنوان جهت دهنده، هر گاه این دو با همراهی عناصری چون عزم ملی و مدیریت جهادی مدیریت گردد میسر می شود.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. اصغری، سید محمد (۱۳۷۷)، رشوه و احتکار، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۷۷/۱۰/۱۵)، سایت رهبری.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، سایت رهبری.
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین (ع)، (۱۳۹۳/۲/۲۳)، سایت رهبری.
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۲/۹/۱۹)، سایت رهبری.
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران، (۱۳۹۲/۱۰/۲۳)، سایت رهبری.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۶/۲/۲۵)، سایت رهبری.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، (۱۳۷۲/۵/۱۲)، سایت رهبری.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، (۱۳۸۹/۶/۱۶)، سایت رهبری.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع)، (۱۳۹۳/۱/۱)، سایت رهبری.
۱۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسؤولان شرکت های دانش بنیان، (۱۳۹۱/۵/۸)، سایت رهبری.
۱۲. سایت رهبری

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>

۱۳. بی نا: (۱۳۶۸)، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

۱۴. دهشیری، محمد رضا (۱۳۸۲)، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، پاییز و زمستان، ش ۷ و ۸.

۱۵. روحانی، حسن (۱۳۹۳/۹/۱۷)، «همایش ملی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد»، خبرگزاری مهر.

<http://www.mehrnews.com/news/2441005>

۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق)، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۱۷. جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی، مشهد، سخن گستر.

۱۸. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)

<http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=332963>

۱۹. زریباف، مهدی (۱۳۹۱)

<http://www.598.ir/fa/news/72430/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5>

۲۰. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)

<http://www.khorshidonline.com/?itemcode=0-43-1692>

۲۱. فروغی جهرمی، محمد قاسم (۱۳۷۵)، نقش فرهنگ دفاع مقدس در اصلاح فرهنگ عمومی کشور، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

۲۲. قانون برنامه چهارم توسعه، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.

<http://www.mgtsolution.com/olib/464333662.asp>

۲۳. گزارش مجلس در مورد قوانین متناظر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یکشنبه ۲۱ دی، ۱۳۹۳

<http://www.mehrnews.com/news/2441005>

۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.

۲۵. میر محمدی، محمد حسین (۱۳۹۱)

<http://www3.arak.irna.ir/fa/News/80437349/%D8%A7%D8%B3%D8%AA>

۲۶. موسوی، سید علی (۱۳۹۲)

<http://daneshgahnews.com/0fa17729idcontent.htm>